

نارساییها و اختلالات یادگیری یک اصطلاح کلی است که شامل یک گروه ناهمگون از دشواریهای یادگیری است که به صورت های گوناگون مانند مشکلاتی اساسی در گوش دادن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، استدلال کردن یا توانایی درک ریاضی متجلی می شود.

اگر چه نارساییهای ویژه در یادگیری ممکن است در دانش آموزان سایر طبقات استثنایی نیز وجود داشته باشد برای آسیب های حسی، عقب ماندگی ذهنی، آشفتگی های اجتماعی و هیجانی، تدریس ناکافی یا نامناسب، محرومیت های محیطی و فرهنگی، اما این امر در نتیجه ی این شرایط آنها نیست.

بسیاری از دانش آموزان در طی دوران تحصیلی خود دچار افت تحصیلی می شوند این مسأله ناشی از بروز یک نوع آشفتگی در مسیر یادگیری آنان است که البته به میزان هوش آنها ارتباطی ندارد. درصد این دانش آموزان بسیار بالاست و متأسفانه در اکثر موارد در مظان اتهام کم هوشی و کم استعدادی قرار می گیرند.

این گونه مشکلات تنها منجر به افت تحصیلی و اتلاف اقتصاد خانواده و کشور نمی شود بلکه به خاطر عدم آگاهی صحیح و درست معلمان و والدین در اکثر مواقع به سرزنش و تحقیر دانش آموزان منجر شده و حس ناخوشایند خود ضعیف پنداری و کاهش اعتمادبه نفس را در روح پاکشان به وجود می آورد و چه بسا بسیاری از این مشکلات قبل از ورود به دبستان قابل پیشگیری هستند و می توان بصره زمانی اندک علل مشکل را شناسایی و درمان کرد. سپس معلمان و مربیان اگر از اطلاعات کافی و مهارتهای لازم برخوردار نباشد ممکن است بسیاری از اختلالات را در کودک تثبیت کنند. چنان چه از تعریف ناتوانی ها یادگیری در مفهوم خاص آن عدول کنیم و هر نوع مشکل ادراکی منجر به افت تحصیلی و کاهش میزان پیشرفت تحصیلی را ناتوانی یادگیری به حساب آوریم تعداد دانش آموزان درگیر این مشکل درصد بسیار بالایی را به خود اختصاص خواهد داد. عده ای از معلمان مدارس و والدین کودکان غالباً برای حل مشکل کودکان از روشهای قدیمی و گاه منسوخ کمک می گیرند که علاوه بر صرف انرژی و وقت فراوان نه تنها به افت تحصیلی و اتلاف بودجه پایان نمی پذیرد بلکه به سرزنش و تحقیر دانش آموزان تشکیل خودانگاره منفی و کاهش عزت نفس آنان انجامیده و سلامت روانشان را به مخاطره می اندازد و چه بسا آنان را به مکانیزم های دفاعی ناموفق می کشاند. این مشکلات دانش آموزان و مدرسه به خانه و خانواده راه می گشاید و اضطراب و ناخشنودی را در همه ی فضای زندگی می پراکند و حاصل این همه آسیب سختی است که به بهداشت روانی جامعه وارد می شود. بنابراین بسیار مهم است که مشکلات یادگیری به درستی شناسایی و سپس تحت درمان قرار گیرد. قطعاً راهبردهای مفید و اثربخش جهت درمان اختلالات یادگیری وجود دارد که معلمان و اولیا بایستی از آنها آگاه باشند. در ادامه راهبردهای آموزشی در زمینه درمان اختلالات دیکته نویسی خواهد آمد.

که امید است با کاربست شیوه های ارائه شده گامی در جهت روشن شدن شمع امید در دل نامید ناتوان یادگیری برداشته باشیم. امیدوارم پیوست این مجال فرصتهایی برای ارائه راهبردهای درمان اختلال خواندن و ریاضی بوجود آید.

راهبردهای آموزش در زمینه درمان اختلالات دیکته نویسی:

مقدمه:

با توجه به یافته های جدید در مورد یادگیری برخی از تواناییها که تبدیل به توانایی کامل نمی شود را می توان به عنوان اصطلاح اختلالات یادگیری به کار برد این گونه افراد ممکن است از نظر هوشی در حد متوسط یا بالا باشند. اما به دلایلی از جمله اشکالاتی که در برخی از فرایندهای روانی پایه (ادراک دیداری، شنیداری، زبان شفاهی و کتبی) وجود دارد، بین میزان پیشرفت تحصیلی و توانایی ایشان تفاوت زیادی به وجود آمده باشد. تا آنجائیکه نمی توانید کتابهای درسی علوم، ریاضی و ... را بخواند در نتیجه با مشکلاتی رو به رو می شوند و متأسفانه به بسیاری از این دانش آموزان برچسب کودن، کم ذهن، عقب مانده و امثال آن زده شده می شوند که نه تنها مشکل این دانش آموزان را برطرف نمی کند بلکه موجب یأس و دلمردگی و سرخوردگی و از بین رفتن علاقه در دانش آموزان می گردد. برای آنکه تمرینهای پیشنهادی تأثیر بسیار زیادی را در حل مشکل دانش آموزان داشته باشد باید از طریق (تشویق آنچه می دانند نه تنبیه آنچه نمی دانند) در ایشان ایجاد انگیزه کنیم تا با رغبت به انجام این تکالیف و تمرینها بپردازد. امید است با کمک هم و با استفاده از روش های پیشنهادی که در ذیل گردآوری شده بتوانیم بخشی از مشکلات آموزشی این گروه را برطرف بسازیم. همچنین تمرینهای مؤثر در رابطه با یادگیری و تقویت املأ دانش آموزان در شماره ی بعدی آورده خواهد شد.

اولین جلسه توجیهی املاء:

از آنجائیکه یکی از عوامل مؤثر در رسیدن به موفقیت در دانش آموزان ایجاد انگیزه کافی برای انجام هر فعالیت آموزشی می باشد می توان از طریق بحث گروهی در کلاس سریعتر و بهتر به نتیجه مورد دست یافت.

که برخی نتایج عبارتند از:

- 1) یادداشت کردن مطالب مهم به خصوص در سالهای بالاتر تحصیلی.
- 2) برای برقراری ارتباط مفید کتبی با دیگران و بیان درست مطالب در غالب کلمات
- 3) ارتباط درس دیکته با دروس دیگر.
- 4) ایجاد مهارت و هماهنگی بین اعضا بدن.
- 5) نوشته هر کس نماینده ی شخصیت اوست.
- 6) بیشتر مشاغلی که افراد تحصیل کرده در اجتماع دارند به صحیح و دقیق نوشتن نیاز دارند.

علامت ضعف دانش آموزان در درس دیکته:

- 1) به علت اینکه مفهوم کلمه را نمی فهمند یا قبلاً نفهمیده اند آنرا درست نمی نویسند.
 - 2) کلمات از جانب معلم درست تلفظ نمی شود (آموزشی).
 - 3) دانش آموزان هنگام نوشتن دیکته کلمات را تکرار و هجی میکند (دقت).
 - 4) وجود نقص شنوایی در برخی از دانش آموزان در هنگام نوشتن املأ و بی خبری معلم از وجود این نقص باعث می شود بعضی از کلمات را جا می اندازد یا از کلاس عقب می افتد (حافظه شنوایی، حساسیت شنوایی).
 - 5) به علت کمبود فضای آموزشی و کمبود میز و نیمکت دانش آموزان در اثر خستگی و درست نشستن، کلمات را غلط می نویسند. (آموزشی).
 - 6) متناسب نبودن متن دیکته از نظر (کمیت و مقدار) با سن پایه تحصیلی آنان باعث می شود دانش آموزان بعد از نوشتن مقداری از آن خسته شوند و غلط نویسی آغاز می گردد. (آموزشی).
 - 7) در بعضی اوقات دانش آموزان به علت مشکلات روانی هنگام نوشتن دیکته در افکار خود غوطه ور می شوند و از نوشتن باز می مانند.
 - 8) وجود حروف هم صدا در ادبیات فارسی مانند: (ص، ث، س)
 - 9) تند گفته شدن دیکته از سوی معلم باعث خستگی و کم شدن دقت در دانش آموزان می گردد.
- ضعف در مهارتهای حرکتی (نارسا نویسی)، بیقراری و تند خویی، خطا در ادراک بصری حروف (حافظه دیداری)، فقر آموزش و عدم تسلط معلم به شیوه های آموزشی مطلوب در هنگام تعلیم نوشتن، نشناختن حروف و قواعد نوشتن توسط دانش آموزان، نداشتن تمرین لازم و کافی برای نوشتن املأ خود می تواند موجب ضعف و نارسایی فراگیر در کسب مهارت نوشتن می شود.
- انواع اشکالات موجود در دیکته دانش آموزان را پس از تجربه و تحلیل می تواند به دو گروه طبقه بندی کرد.
- یک گروه از اشکالات به مشکلات آموزشی مربوط هستند و از طریق روش تدریس می توان حل کرد و گروه دیگر را از طریق تمرینهای خاصی که می توان به جای رونویسی های معمول در مدارس در نظر گرفت تا ضمن جلوگیری از هدر رفتن وقت و استعداد دانش آموزان در برطرف کردن اشکالات دیکته بسیار مؤثر باشند.

روش های تدریسی آموزش املأ:

1) روش آزمون - مطالعه - آزمون

در این روش در ابتدا یک متن را به عنوان دیکته برای دانش آموزان می خوانیم و بعد از تصحیح آن را به دانش آموزان باز می گردانیم سپس دانش آموزان تا جلسه بعدی اماً صحیح کلمات غلط موجود در اماً خود را تمرین می کنند. در جلسه بعد از آن متن دوباره دیکته گفته می شود که معمولاً بدون غلط و یا با غلطهای محدودی همراه است.

البته باید توجه داشت که متن دوم را با کمک کلماتی از متن اول که از ارزش املائی برخوردارند (اما رد قالب جملات جدید) می توان تهیه نمود تا میزان پیشرفت دانش آموزان در زمینه حافظه دیداری هم سنجیده شود.

2) روش مطالعه و آزمون

ابتدا درس یا درسهای جهت گفتن از دیکته انتخاب می شود و دانش آموزان روی لغات مشکل آن به صورت دیکته پای تخته و تکالیفی نظیر نوشتن کلمات با حروف رنگی و ... تمرین می کنند؛ سپس از آن درس یا درسها دیکته گفته می شود که البته بهتر است متن دقیقاً مانند کتاب نباشد.

3) روش نمایشی :

به منظور تقویت بیشتر حافظه دیداری در رابطه با آموزش حروف هم صدا مانند: (ص، ث، س) ابتدا لغات مورد نظر را روی طاقهای شفاف می نویسیم سپس آنها را با استفاده از اورهد روی پرده نمایش می دهیم. مثلاً کلمه (صابون) سپس روی حرف (ص) را می پوشانیم و از دانش آموزان می خواهیم یکی از سه حرف (س، ث، ص) را انتخاب کرده و کلمه را کامل کنند. سپس کلمه را کامل نشان می دهیم تا اگر غلط حدس زده بودند آن را اصلاح کنند و درستش را کنارش بنویسند. از این روش به هنگام دیکته پای تخته ای هم می توان استفاده کرد وجود دستگاه اورهد الزامی نیست.

دانش آموزان ابتدا کلمه را در دفتر خود بنویسند بعد به تخته نگاه کنند و در صورت اشتباه درست آن را بالای کلمه بنویسند.

4) روش تصحیح انفرادی :

به دانش آموز دیکته گفته می شود به عنوان تکلیف منزل از او خواسته می شود؛ دیکته خود را با استفاده از کتاب تصحیح کند و از این طریق متوجه غلط هایش می شود و آنها را تمرین می کند.

5) روش چند حسی :

در این روش چند حس بینایی- شنوایی-لامسه به کمک یادگیری املأ کلمه مورد نظر می آیند. این روش بیشتر قبل از دیکته به منظور تمرین کلمات مشکل درس به کار گرفته می شود.

الف) از دانش آموز خواسته می شود با دقت به کلمه ی مورد نظر (این کلمه از متن دیکته ای که بعداً گفته خواهد شد انتخاب می شود) که پای تابلو نوشته شده نگاه کند.

ب) آن را بخوانند و کلمه مورد نظر را در هوا به صورتی ذهنی و با استفاده از انگشت خود بنویسند.

ج) سپس آن را در جمله ای مناسب به کار برد. از این طریق معنای کلمه را بهتر درک می کند.

و) کلمه را از پای تابلو پاک کرده و به آنها فرصت می دهیم تا کلمه را بدون خطا از روی حافظه بنویسند.

د) کلمه را روی تابلو نوشته تا دانش آموزان آنها را با هم مطابقت دهند و به درستی یا نادرستی نوشته خود پی ببرند. حرفی از کلمه را که از ارزش املائی برخوردار است قرمز نوشته وای تابلو می نویسیم؛ مانند: (ص) در (تصمیم) . از این روش به عنوان یک تمرین و تکلیف هم جهت تقویت حافظه دیداری دانش آموزان می توان استفاده نمود.

6) کاربرد جمله سازی در زنگ املاء:

آموزگار 20 جمله از 5 درس را که دارای اهمیت هستند انتخاب کرده و در هر جمله جای یک کلمه با ارزش املائی خالی گذاشته می شود تا دانش آموزان به تکمیل آن بپردازند.

((بارم هر کلمه یک نمره دارد))

خورشید به قله ی..... نزدیک می شد.

7) آشنا کردن دانش آموزان با متن املاء :

به منظور یادآوری شکل کلمه های خوانده شده لازم است قبل از نوشتن املأ، آموزگار یک بار آن متن را از اول تا آخر بخواند و شاگردان به این امر عادت کرده که شکل کلی کلمه های خوانده شده را در ذهن خود مجسم کنند و آنها را به یاد آورند و گاهی هنگام خواندن متن املأ، آموزگار به شاگردان اجازه دهد که بگویند نوشتن چه کلمه ای را نمی توانند و معلم راجع به آن کلمه توضیح آموزشی بدهد تا دانش آموزان شکل نوشتاری کلمه ی مورد نظر را بهتر یاد بگیرند، از این طریق، شکل کلمه در ذهن شاگرد بیشتر تثبیت می گردد و یادگیری عمیق تر می شود.

نحوی قرائت املاء در کلاس:

هنگام قرائت و آموزش املأ باید به نکات زیر توجه شود:

1) از تمام درسهای کتاب فارسی، اعم از شعر و غیر شعر باید املأ گفته شود؛ ولی مقدار و زمان آن نباید از حد معینی تجاوز کند.

2) آموزگار، باید با توجه به هدفهایی که برای گفتن هر متن املأ دارد، متن و مقدار آن را از قبل مشخص کند.

3) هر کلمه یا عبارت فقط یک یا دو بار گفته شود و دانش آموزان باید عادت کنند با گوش دادن به صدای آموزگار مشکل کلی نوشتن کلمه را در ذهن خود پیدا و آن را زیر لب زمزمه کنند و بنویسند.

4) سرعت گفتن املای کلمه با توان نوشتن دانش آموزان متناسب باشد.

5) حرکت کردن آموزگار در هنگام گفتن املأ نباید باعث حواس پرتی دانش آموزان شود.

روش بررسی اشکالات موجود در دیکته دانش آموزان

برای دستیابی به یک راه حل ساده و امیدوار کننده، اگر کودک در سایر درسها و فعالیت هایش مثل سایر کودکان معمولی باشد، به اجرای آزمون هوش نیاز نداریم. بعد از اطمینان از عادی بودن هوش دانش آموزان، باید اشتباهات دیکته های متعدد دانش آموزان از روی دفتر وی یادداشت کنیم و پس از یافتن علت آن، برای رفع هر اشکال تکالیف خاصی را در نظر بگیریم.

مراحل تشخیص و ارزیابی کودکان با اختلالات یادگیری دیکته نویسی :

همان گونه که در تعریف کودکان با نارساییهای یادگیری آمده است، این کودکان از بهره هوشی تقریباً عادی برخوردارند، از نظر حواس بینایی و شنوایی سالمند، دارای امکانات محیطی و آموزشی نسبتاً مناسبی هستند، همچنین محرومیت‌های شدید عاطفی ندارند. اما با وجود این، در یک یا چند زمینه ی درسی دچار مشکلات اساسی هستند، لذا برای تشخیص این گونه کودکان اول باید بهره ی هوشی آنان سنجیده شود، سپس از نظر حواس مختلف و نقایص جسمانی مورد آزمایش قرار گیرند و نیز از نظر عاطفی و محرومیت‌های شدید محیطی موقعیت آنان مطالعه و بررسی شود و سرانجام مشکل اختصاصی و ویژه ی آنان دقیقاً مشخص گردد.

روشهای ترمیمی و آموزشی کودکان با اختلالات یادگیری دیکته :

روش ادراکی حرکتی: طرفداران این روش (کیپارت، گتمن، برچ) معتقدند که یادگیری حرکتی مبدأ یادگیری است و فرایندهای ذهنی عالتر پس از رشد مناسب سیستم حرکتی و سیستم ادراکی و همچنین پیوندهای ارتباطی میان یادگیری حرکتی و ادراکی بوجود می آید. کیپارت عقیده دارد که یادگیریهای حرکتی بر هوش و تحصيلات موثر است. او معتقد است که رشد کودک با کنترل حرکات شروع می شود و مراحل مانند کشف منظم، ادراک مسائل، ترکیب تکمیل دریافتهای حسی و در پایان تشکیل مفاهیم را طی می کند. و می گوید هر مرحله از مرحله پیشین

کاملتر و پیچیده تر است و کودکان عادی این مراحل را به سادگی و با ترتیب درست طی می کنند اما در مورد دانش آموزان با اختلالات یادگیری ممکن است در مراحل مختلف رشد انقطاعی رخ دهد.

در اینجا او ابراز می دارد که می باید روند رشد از طریق روشهای آموزشی - روانی بازسازی شود.

تمرینات و پیشنهادهای کپارت برای تقویت یادگیری:

تمرین و آموزش برای تقویت یادگیریهای ادراکی و حرکتی

الف. نرده چوبی. ب. تخته تعادل.

ج. توری آکروبات یا تشک ژمناستیک د. فرشته در برف.

خ. بازیهای تقلیدی. و. تقلید صدای موزون.

تمرین و آموزش برای تقویت پیوند ادراکی - حرکتی

الف. فعالیت‌های مربوط به عضلات بزرگ

ب. فعالیت‌های مربوط به عضلات ظریف

ج. تمرین برای پیوند ادراک بینایی - حرکتی

د. تمرین برای پیوند ادراک شنوایی - حرکتی

تمرین و آموزش برای تقویت کنترل بینایی.

الف. تمرین برای تقویت تمرکز چشمی.

ب. تمرین برای تقویت تعقیب چشمی.

تمرین و آموزشهای لازم قبل از شروع به نوشتن :

الف. آزادانه بر تخته ی کلاس هر نوع خطی را که می خواهند ترسیم کنند.

ب. نقاشی با انگشتان.

ج. کپی کردن اشکال منظم هندسی.

تمرین و آموزش برای تقویت ادراک چشم:

الف. تشخیص و تمیز اشیا و تصاویر مختلف.

ب. جور کردن اشیا و تصاویر.

ج. تشخیص حروف و اعداد

د. تشخیص قسمت‌های حذف شده.

روش چند حسی :

روش خانم دکتر گریس فرنالد که در آن توازن و تعادلی برای استفاده از حس بینایی، حس شنوایی و حس لامسه مورد نظر است، و آنرا روش ((تعقیب حسی)) نیز می گویند از بقیه ی روشهای چند حسی کاملتر و دستور العملهای آن مشخص تر است. علت وجه تسمیه این نام، آن است که در این روش تعقیب با انگشتان به حواس بینایی و شنوایی برای یادگیری اضافه می گردد.

خانم فرنالد ابراز می دارد که دانش آموزان با اختلالات یادگیری در مدارس عادی شکستهای متعددی را تجربه کرده اند، به همین سبب آنان دچار ضعف در اعتماد به نفس هستند. بنابراین توجه به این نکته و تلاش در جبران آن با استفاده از روش ((شرطی شدن مجدد)) و رعایت پیشنهادهای زیر موفقیت برنامه چند حسی را بیشتر می سازد:

- 1- از جلب توجه کودک به شرایطی که باعث تشدید هیجانات او می گردد پرهیز شود.
2. از به کار بردن روشهایی که قبلاً بر کودک آزمایش شده و فایده ای نداشته است پرهیز شود. زیرا کودک تکرار کار بی حاصل را بی ثمر می داند و نسبت به آن واکنش مناسب نشان نمی دهد.
3. از ایجاد شرایطی که در آن دانش آموز دچار دستپاچگی می گردد پرهیز شود.
4. از توجه مستقیم به ناتوانی کودک در انجام فعالیتها پرهیز شود.

مراحل روش چند حسی فرنالد :

اولین مرحله در هر برنامه‌ی آموزشی و ترمیمی در کلاس یا کلینیک آن است که برای کودک روش مورد استفاده را توضیح دهیم و یادآور شویم که دانش آموزان دیگر نیز مشکل او را داشته‌اند، اما آنان با این روش، در خواندن، هجی کردن و نوشتن پیشرفت حاصل کرده‌اند.

دومین مرحله از روش چند حسی آن است که از دانش آموز بخواهید هر کلمه‌ای را که دوست دارد یاد بگیرد، انتخاب کند و سپس نوشتن و تشخیص آن را (خواندن) به او بیاموزید.

نکات ضروری برای کسب موفقیت در روش چند حسی:

1. کلمه و همچنین موضوع داستان باید توسط کودک انتخاب شود، زیرا در این صورت انگیزه‌ی یادگیری در او بیشتر می‌شود.

2. تعقیب کلمه نوشته شده با انگشت ضروری است.

3. لازم است کودک پس از تعقیب کلمه با انگشت خود و تکرار بسیار این عمل، کلمه را بدون نگاه کردن به آن بنویسد.

4. اگر کودک هنگام نوشتن کلمه، حرفی را اشتباه نوشت، در این صورت تمام کلمه‌ها باید از نو بنویسد.

5. کودک باید در حالی که کلمه را با انگشت خود تعقیب می‌کند و یا آنرا می‌نویسد، کلمه را با صدای بلند تلفظ کند.

6. هنگامی که تعقیب با انگشتان بجز موارد استثنایی لازم نیست، بایگانی کلمات با خط درشت به بایگانی کلمات تایپ شده تبدیل می‌گردد.

لازم به توضیح است که دکتر فرنالد علت بیشتر موارد نارساخوانی را مسدود شدن فرایند یادگیری به خاطر روش معمول آموزش خواندن در مدارس عادی می‌داند. او می‌گوید روش معمول آموزش خواندن در مدارس تأکیدی بیش از حد بر حس بینایی دارد و از حواس دیگر بویژه حس لامسه کمتر کمک می‌گیرد.

آزمونهای مورد استفاده برای درمان اختلالات یادگیری:

وسیله اندازه گیری ادراکی – حرکتی کپارت (کپارت و روچ 1966)

شامل مشاهده در پنج زمینه زیر است:

1. حالت و تعادل

2. تصور بدنی و تشخیص تفاوت

3. پیوند ادراکی – حرکتی (رسم شکل هندسی همزمان و هر کدام با یک دست)

4. کنترل چشمی (تعقیب نور)

5. درک شکل (کپی شکل)

آزمون ادراک بینایی مارین فراستیگ (1961)

این آزمون پنج زمینه از ادراک بینایی به شرح زیر را می سنجد:

1. توانایی هماهنگی حرکتی و چشم

2. تشخیص تصویر و زمینه

3. درک ثبات شکل

4. تمیز وضعیت در فضا

5. درک روابط فضایی

آزمون تواناییهای روانی – زبانی ایلینویز (کرک و همکارانش 1961 برای تشخیص نارسایی زبان و ارتباط کلامی و ترمیم آن)

این آزمون دارای دو سطح می باشد:

1. سطح مجسم کننده

الف – فرایند دریافت (آزمون دریافت شنوایی ، آزمون دریافت بینایی)

ب. فرایند سازماندهی (1. آزمون تداعی شنوایی – کلامی 2. تداعی بینایی- حرکتی) ج. فرایند رساننده یا گویش (1. آزمون کلامی رساننده 2. آزمون حرکتی یا دستی رساننده)

2. سطح اتوماتیک یا خودکار

الف. تکمیل : منظور از تکمیل، توانایی در کامل کردن سخنی نیمه تمام یا پر کردن جاهای خالی یک تصویر اس، به نحوی که از آن مفهوم و معنی کاملی استنباط شود. آزمونهایی که برای سنجش این توانایی بکار می رود عبارتند از

- 1. آزمون تکمیل دستوری:** این آزمون توانایی کودک را در تکمیل قسمتهای ناتمام بیانات از نظر دستوری ارزشیابی می کند. در این آزمون مواد بصورت شفاهی همرا با تصاویری که مفهوم را نمایش می دهد ارائه می گردد.
- 2. آزمون تکمیل بینایی:** این آزمون توانایی استنتاج بینایی کل از جزء را می سنجد. در این آزمون قسمتی از یک عکس یا شیء را به کودک نشان می دهند و او باید آن عکس یا شیء را شناسایی کند.
- 3. آزمون تکمیل شنوایی:** این آزمون توانایی کودک را در تکمیل قسمتهای ناتمام کلمات ارزیابی می کند.
- 4. آزمون ترکیب یا تکمیل صدا:** در این آزمون صداهای یک کلمه با فاصله تلفظ می شود.

ب. توالی حافظه :

1. آزمون توالی حافظه شنوایی 2. آزمون توالی حافظه بینایی

آزمون توانایی تشخیص تفاوت شنوایی وپمن: سنجش توانایی کودک در تشخیص و تمیز کلمات متفاوت (30 جفت کلمه که صرفاً در یک صدا تفاوت دارند و 10 جفت کلمه که دقیقاً مشابه یکدیگرند تشکیل شده است). این آزمون با توجه به تشخیص مربی برای هر دانش آموز مورد استفاده قرار می گیرد.

مراحل یادگیری از نظر مایکل باست :

1. احساس. پایین ترین و اساسی ترین سطح. یعنی دریافت اطلاعات از حواس مختلف.
2. ادراک توانایی تشخیص صحیح دریافتهای حسی یا اطلاعات ادراک نامیده می شود.
3. تصور (وابسته به تجربیات گذشته و توانایی به خاطر آوردن ادراکات قبلی لست).
4. نمادین کردن مهارت کلامی و غیر کلامی در یادگیری
5. درک مفهوم. (توانایی تفکر انتزاعی و طبقه بندی)

مراحل خواندن از نظر کاریلو :

1. مراحل آمادگی برای شروع خواندن (کودکستان)

2. شروع خواندن (کلاس اول)

3. رشد مهارت خواندن (کلاس دوم و سوم)

4. مرحله گسترده خواندن (سال آخر دبستان)

5. پالایش خواندن (راهنمایی و دبیرستان)

شیوه درمانی اختلال خواندن :

1. باز گویی تجربه ها

2. آوایی دیداری

3. استفاده از کلمات رنگارنگ

4. با موج ها بخوانیم، بازی کنیم و لذت ببریم

5. استفاده از مهارتهای نظارت بر خود

6. استفاده از مجموعه حس ها

7. تدریس دو جانبه (نقش معلم)

8. آموزش مستقیم (تصحیح غلطهای خواندن)

9. شیوه آموزش انفرادی.

تعریف هوش و آزمون های هوش:

در اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده میلادی عده ای از دانشمندان تعلیم و تربیت مانند روسو پستالوژی هربارت و فروبل تفاوت های فردی کودکان را از نظر علایق، فعالیتهای ذهنی و تواناییهای یادگیری مورد توجه قرار دادند که در روشهای تعلیم و تربیت کودکان تأثیری عمیق بر جای گذاشت.

یکی از قدیمی ترین تعریفهای هوش توسط بینه و سیمون (1916) به شرح زیر بیان شده است:

قضاوت و به عبارتی عقل سلیم، شعور عملی، ابتکار، استعداد، انطباق خود با موقعیتهای مختلف، به خوبی قضاوت کردن، به خوبی درک کردن به خوبی استدلال کردن اینها فعالیتهای اساسی هوش به شمار می‌روند (هوش را شکل خاصی از سازگاری با محیط می‌دانست به طوری که نیازهایش را با انتظارهای محیطی هماهنگ کند و به تدریج که رشد می‌کند ساختهای روانی خود را از نو سازمان می‌دهد تا بتوان به گونه‌ای موثر با محیط برخورد کند.

حال با توجه به تعریف یادگیری (تغییری نسبی که بر اثر تجربه و آموزش بدست می‌آید) برای ایجاد این تغییر باید فرد از تواناییهای که هوش نامیده می‌شود برخوردار باشد.

از نظر روان‌سنجی هوش یک سازه یا صفت است و از این نظر بین افراد تفاوت‌های وجود دارد.

ثرندایک (روانشناس آمریکایی) می‌گوید: اگر چیزی وجود داشته باشد مقادیر مختلفی به خود می‌گیرد و هر آنچه مقادیر مختلفی به خود بگیرد قابل اندازه‌گیری است.

چند مورد از آزمونهای هوش:

1. آزمون استنفورد-بینه (1905 فرانسه): شناسایی کودکان دیرآموز و عقب مانده ذهنی این آزمون بر اساس دو اصل 1. سن 2. تواناییهای کلی ذهنی تدوین شده است بینه معتقد بود توانایی ذهنی کودکان با افزایش سن رشد می‌کند سوالهای آزمون طوری ساخته شد که با سطح توانایی آن سن هماهنگ باشد (پاسخ درست بین 67 تا 75 درصد به سوال برای آن سن انتخاب می‌شد)

این آزمون چندبار تجدید نظر شد (1937 و 1960 و جدیدترین فرم آن در سال 1986 تجدید نظر شد)

دو نوع سوال کلامی و غیر کلامی دارد برای سن 2 تا 5 سال 12 سوال و برای 5 سال تا 14 سال 6 سوال برای هر سن در نظر گرفته شده است برای افراد بزرگسال در 4 سطح سوال تدوین شده است.

2. آزمون وکسلر: دارای سه فرم مختلف است (1) مقیاس تجدید نظر شده وکسلر برای بزرگسالان

(۲) WAIS-R مقیاس تجدید نظر شده کودکان (۳) WISC-R مقیاس تجدید نظر شده کودکان پیش
آموزشگاهی WPPSI-R

آزمون هوشی وکسلر در دو مقیاس کلامی و عملی تدوین شده است ما در اینجا مواردی را در خصوص آزمون کودکان وکسلر که در سال 1945 برای سن 5 تا 15 سال تدوین شده است بیان می‌کنیم این آزمون در سال 1974 تجدید نظر شد برای کودکان از 6 سال تا 16 سال و 11 ماه و 30 روز به کار می‌رود هر مقیاس دارای 6 خرده آزمون به ترتیب زیر است:

مقیاس کلامی: 1. اطلاعات عمومی 2. شباهتها 3. محاسبه 4. لغات 5. درک و فهم 6. حافظه ارقام

مقیاس عملی: 1. تکمیل تصاویر 2. تنظیم 3. طراحی مکعبها 4. الحاق قطعه ها 5. رمزگردانی 6. مازها. اجرای 10. خرده آزمون ضروری و حافظه ارقام و مازها اختیاری است.

3. آزمون های ریون رنگی برای کودکان 5تا9 سال- ریون سیاه و سفید 9تا18 سالگی و بزرگسالان: سوالها به شکل ماتریس است آزمودنی باید از بین گزینه های داده شده گزینه ای را که سوال را کامل می کند انتخاب کند (60سوال و 45دقیقه زمان اجرای آن است)

4. آزمون گودیناف 1926 هوش کودکان 5تا10 سال را می سنجد (رسم یک آدمک و نمره دهی بر اساس آن اشاره به 51 مورد در نقاشی)

5. آزمون نابسته به فرهنگ کتل: در دو مقیاس 1 کودکان چهار تا 8 سال 2 کودکان 8 تا 14سال و بزرگسالان با سواد کمتر از متوسط (شامل 4خرده آزمون تصاویر- طبقه بندی- ماتریسها- وضعیت توپولوژیکی مکان شناختی)

در اینجا لازم به ذکر است در سنجش اختلالات یادگیری برای ارزیابی هوش آزمون تجدید نظر شده وکسلر کودکان مورد استفاده قرار می گیرد.

طبقه بندی افراد از نظر هوش:

140 و بالاتر خیلی سرآمد

120 تا 139 سرآمد

110 تا 119 باهوش

85 تا 109 متوسط

70 تا 85 دیر آموز

85 مرز مشترک بین دیرآموز و اختلال یادگیری می باشد.

و زیر 70 عقب مانده های ذهنی می باشند.

البته برای تشخیص اختلالات یادگیری به عمل آوردن تست های مکمل نیز لازم و ضروری هستند .

